

بانگ آزادی

ارگان مرکزی

سازمان اتحاد برای دموکراسی در ایران

(تأسیس: آذر ۱۳۷۶)

فروردین ۱۳۷۷

شماره ۳ - ۴ - ۵

فهرست

- | | |
|----|---|
| ۲ | - موارد نقض میثاق بین‌المللی در ایران |
| ۲ | - گذشته شدن موسی حیدرزاده پس از ۱۲ سال حبس |
| ۳ | - شیوه مبارزه |
| ۴ | - نامه یک دوست - سلاله |
| ۶ | - چند پیشنهاد برای گسترش کار - ج. ا. رزو |
| ۵ | - بیانیه وین مصوب کنفرانس جهانی حقوق بشر |
| ۶ | - احزاب برای تشکیل احتیاج به اجازه ندارند |
| ۶ | - مقررات و نوییرامون حداقل رفتار با زندانیان |
| ۷ | - شاخصهای اساسی حقوق بشر |
| ۷ | - نامه‌ای از کرستان - محمد کردی |
| ۸ | - نامه چند نفر از کارگران جاپخانه‌ها |
| ۹ | - فوبیای قدرت در نظامهای بسته - مظفر |
| ۱۰ | - عدم اعتبار رقانونی دادگاه ویژه روحانیت -
ایت‌الله حسینعلی منتظری |
| ۱۱ | - لایحه تخلفات اداری و نقض آزادیهای اساسی |
| ۱۱ | - نامه‌ای از محله شماره دو - ولی پیرنیا |
| ۱۱ | - دردناک از زندانیان سیاسی و عقیدتی در کشور |
| ۱۲ | - منشور حقوق سندیکائی مصوب ۱۹۵۴ |

آدرس: تهران، صندوق پستی ۳۱۵-۱۳۴۶۵

بهای نشریه: ۴۰۰۰ ریال

دبیرستانهای عمومی تحصیل کنند. مشروط بر اینکه وابستگی مذهبی آنان مخفی و مکتوم بماند و در غیر این صورت از ادامه تحصیل محروم می‌شوند.

۴ - وضعیت زن ایرانی

زنان ایرانی گذشته از اینکه مجبور و محکوم به رعایت حجاب اجباری بودند، با تبعیض‌های حقوقی گوناگونی در زمینه حقوق مدنی و اجتماعی و فرهنگی روبرو هستند. ارزش کوهی دو زن برابر ارزش شهادت یک مرد است. سهم الارث دو زن مساوی با سهم الارث یک مرد است. خون بهای دو زن برابر با خون بهای یک مرد است. برآمده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده است که «ازواج باید با رضایت آزادانه طرفین که قصد آنرا دارند، واقع شوند». اما به موجب تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی ایران «سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است» و بر طبق تبصره ماده ۱۰۴۱ همان قانون «عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است» یعنی اینکه در جمهوری اسلامی ایران، ازواج دختران نه ساله و کنتران نه ساله تجویز شده است. مطلق حق انحصاری شوهر است. ولایت فرزندان حق انحصاری پدر و در صورت فوت پدر حق پدر بزرگ است و نه مادر. کار کردن زن مستلزم اجازه شوهر است. خروج زن شوهردار از ایران هم موقوف به اجازه شوهر است. زن نمی‌تواند قاضی شود. در رشته‌های معدنی و کشاورزی تحصیل کند. زن و مرد در محال و مجامع و بر وسایل نقلیه عمومی از یکدیگر جدا نگاه داشته می‌شوند. پوشش زنان هم باید با رعایت حجاب اسلامی باشد و بسیاری از رشته‌های ورزشی برای زنان ایرانی ممنوع اعلام شده‌اند. مسابقات اخیر زنان کشورهای اسلامی آسیای برهنگان نمونه بارز این وضعیت بود.

نتیجه گیری

با وجود گزارشهای فریبده و تلق‌های اغوا کننده نمایندگان جمهوری اسلامی در مراجع بین‌المللی، دولت جمهوری اسلامی ایران به نقض میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، همچون سایر موازین و مقررات بین‌المللی حقوق بشر، ادامه می‌دهد. قانون اساسی جمهوری اسلامی در ذات و ماهیت خود بر تبعیض عقیدتی - مذهبی نهاده شده و از اینرو با اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های تکمیلی آن تضاد ماهوی دارد. اینست که طی ماههای اخیر، بلندگوهای جمهوری اسلامی از «انواع حقوق بشر، با توجه به فرهنگها و مذاهب گوناگون» سخن می‌رانند. اما کمیسیون حقوق بشر، کمیته حقوق بشر و به ویژه سازمانهای غیردولتی دفاع از حقوق بشر خصیصه جهانی بودن حقوق بشر را به عنوان ارزش والای خانواده بشری شناخته‌اند و این دولتها هستند که بایستی در برابر این نظام ارزشی سر تمکین فرور آید.

کشته شدن موسی حیدرزاده پس از ۱۲ سال حبس

موسی حیدرزاده در سال ۶۰ به اتهام هواداری از سال مجاهدین خلق ایران دستگیر و به مدت ۱۲ سال در زندان دوران محکومیت خود را گذراند و در ۷۲ آزاد شد. در سال ۱۳۷۳ به نیروهای سازمان مجاهدین خلق ایران در



عراق پیوست. در روز ۱۰ اسفند ۱۳۷۶ به همراه تعداد دیگری از ایرانیان به دودرگیری حاشیه مرزی با نیروهای جمهوری اسلامی کشته شد.

موارد نقض میثاق بین‌المللی

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ایران

ماده سوم میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی اِشعار می‌دارد که «کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تمامی حقوق زنان و مردان را بر استفاده از کلیه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر بر این میثاق تأمین نمایند». در بند ۲ ماده دوم هم آمده که دولت‌های عضو بایستی حقوق سکود در این میثاق را «بدون هیچ نوع تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هرگونه عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا هر وضعیت دیگر، تضمین نمایند».

ولی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق اساسی مردم تابعی است از مسائل اعتقادی و مذهبی، موقعیت ولی فقیه، برقرار لوی ملت، مجریه و قضائیه، نمودی است از نظام مذهبی - روحانی حاکم بر ایران که از اساس بر تبعیض حقوقی نهاده شده و نه بر تشاری حقوق.

۱ - حق کار

گذشته از اینکه بسیاری از مشاغل و مناصب عمومی در انحصار روحانیون است ولی فقیه، سرپرست لای قضائیه، فقهای شورای نگهبان، اعضای مجلس خبرگان، رؤسای دادگاههای دادگستری (...)، «ایرانیان غیرمسلمان» شهربان درجه دوم به شمار می‌آیند و از اشتغال در سازمانهای عمومی و اداره‌های دولت محرومند.

به عنوان نمونه، شعبه نهم (و ان عدالت اداری، در حکم مورخ ۱۳۶۹/۲/۲، وابستگی به «فرقه ضاله بهائیت» را به منزله کفر تلقی کرده و موجب محرومیت از اشتغال در سازمانهای دولتی دانسته و تأکید نموده که «چون شاکی وابستگی خود به این فرقه را انکار نکرده است، شکایت او مردود است».

بر این اساس، بیش از ده هزار بهایی از سازمانهای دولتی و کانسآموزشی وزارت آموزش و پرورش، اخراج شده‌اند. بدون اینکه در حال حاضر هیچگونه حقوق یا غرامتی دریافت نمایند. به علاوه بسیاری از اخراج شدگان اظهار کرده‌اند که می‌توانی را که خس سالیان خدمت خود به عنوان حقوق و پاداش دریافت نموده‌اند، به صندوق دولت سترود دارند.

از طرف دیگر، مراکبه‌های استخدام در سازمانهای دولتی و لوی نظامی و انتظامی، که در روزنامه‌ها انتشار می‌یابند، یکی از شرایط استخدام، «مسلمان بودن» است.

۲ - حق تشکیل انجمن‌های اجتماعی، فرهنگی و حرفه‌ای

حق تشکیل انجمن‌های اجتماعی و حرفه‌ای که در ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیش‌بینی شده، همچنان در ایران رعایت نمی‌شود. دولت جمهوری اسلامی علاوه بر احزاب و سازمانهای سیاسی،

فعالیت انجمن‌های فرهنگی و اتحادیه‌های صنفی مستقل از حکومت را تعطیل و ممنوع کرده است. کانونهای اجتماعی و اتحادیه‌های مجاز، همگی وابسته به حکومت یا نهاد‌های طرفدار حکومتند. به موجب اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند». و این ارگانه‌های گوناگون جمهوری اسلامی‌اند (ولی فقیه، شورای نگهبان، دادگاههای انقلاب اسلامی (...)) که مفاهیم مجرد و مبهم «موازین اسلامی» و «اساس جمهوری اسلامی» را تعریف و تبیین می‌کنند و نه مرجعی مستقل و غیرجانبدار نسبت به حکومت.

در بند «د» ماده ۸ میثاق، حق اعتصاب به عنوان یکی از تضمین‌های حقوق کارگر، قید شده است. اما این حق نه در قانون اساسی و نه در قانون کار جمهوری اسلامی ایران شناخته شده و اعتصاب به عنوان اقدامی غیرقانونی و درخور مجازات تلقی می‌شود.

۳ - حق آموزش و پرورش

آموزش و پرورش، به ویژه آموزش عالی هم مستحق تبعیض‌های مذهبی و عقیدتی است. داوطلبان تحصیل در دانشگاهها و مدارس عالی بایستی از صافی دانشتیهایی مذهبی رد شوند و مخالف رژیم جمهوری اسلامی نباشند. مجلس اسلامی قانونی را تصویب کرده که به موجب آن ۲۰٪ از کنجایش دانشگاهها و مدرسه‌های عالی، به معلولان جنگی و خانواده‌های شهدا اختصاص یافت. موارد محرومیت از ادامه تحصیل و اخراج از دانشگاهها به دلایل عقیدتی - سیاسی بسیارند.

تبعیض مذهبی - عقیدتی درباره بهائیان شدیدتر است. بهائیان از تحصیل در دانشگاهها و مدرسه‌های عالی محرومند. دانش آموزان بهایی می‌توانند در دبستانها و

مقدمه مبسوطه

از آنجاکه اولاً قانون اساسی دارای تقابص جدی است و بسیاری از اصول آن (ویژه در رابطه با نوع و شکل حاکمیت و رابطه آن با مردم) با اصل حاکمیت واقعی مردم مغایرت آشکار دارد. ثانیاً برخی از مفاهیم موجود در قانون اساسی، هنوز به طور دقیق تعریف نشده‌اند که موجب نقض حقوق انسانی را فراهم می‌سازد (مانند مفاهیم زندانی سیاسی - توطئه علیه امنیت نظام - اخلاف در مبانی اسلام) ثالثاً حاکمیت نه فقط حقوق و اساسی و دمکراتیک بشر مصرحه در اغلاب جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بلکه حتی حقوق ملت مصرحه در قانون اساسی را رعایت نمی‌کند. رابعاً نه تنها احزاب سیاسی بلکه سازمانهای صنفی دمکراتیک مستقل امکان حضور در جامعه را ندارند تمامی اقدامات آنها زیر کنترل شدید مقامات امنیتی کشور قرار دارند و در پیوند مؤثر و آگاه کننده و بسیج کننده آنها با مردم محدودیت‌های شدید اعمال می‌شود - لذا صرفاً و تنها از طریق مبارزه علنی - قانونی و با مطلق کردن این شیوه مبارزه نمی‌توان به هدف برقراری دمکراسی در کشور دست یافت. آنجاکه یک حاکمیت تمامی یا بخش مهمی از اهرمها و کانالهای مبارزه سیاسی علنی یا قانونی را از بین ببرد و اعتراضات مردم را سرکوب کند و آنجاکه حاکمیتی که باید مجری قانون باشد خود ناقض اصلی قانون شود و مدعیان پاسداری از حقوق قانونی ملت به آشکارترین و خشن‌ترین شکل ممکن حقوق ملتی را نقض کنند، دیگر نمی‌توان و نباید دست مردم و نیروهای آزاد اندیش را در دفاع از حقوق و خواستها و آزادیهای اساسی خودشان بست و آنها را مفید کرد تا در یک چارچوب تعیین شده از جانب حاکمیت یا تنها به شکل علنی - قانونی فعالیت کنند. تلقین اشکال متنوع مبارزه سیاسی در راستای تقویت جنبش دمکراتیک میهن ضروری است. البته در شرایط کنونی می‌توان یک مبارزه سیاسی علنی - قانونی را نیز برای ایجاد فضای باز سیاسی در کشور تداوم بخشید. می‌توان از امکانات علنی و قانونی مبارزه برای تبلیغ و ترویج آرمانهای دمکراتیک، ارتباط هرچه وسیعتر با مردم، ارتقاء آگاهی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مردم، ایجاد تشکلهای و سازمانهای سیاسی و صنفی دمکراتیک مستقل، افشای موارد نقض حقوق و آزادیهای دمکراتیک در جامعه برای مردم، انتشار نظرات و دیدگاههای سیاسی و اجتماعی خود در میان مردم، هدایت اعتراضات مردم به سمت صحیح و ارتقاء سطح مبارزاتی آنها در جهت تحقق خواستههای دمکراتیک، ایجاد ارتباط میان نیروهای آزاداندیش، جلب هرچه بیشتر مردم به مشارکت سیاسی در جامعه استفاده کرد. اجرای اصول مربوط به حقوق ملت مصرحه در قانون اساسی، گامی مهم در راستای باز شدن فضای سیاسی کشور می‌باشد. زیرا که شرایط نسبتاً مناسبی برای نیروهای آزادیخواه فراهم می‌آورد تا با هراسی کمتر، آزادی بیشتر و ابتکار عمل بهتر فعالیت کنند و از این شرایط و امکانات به عنوان یک سکوی پرش برای کسب دستاوردهای بیشتر و ایجاد فضای باز سیاسی استفاده کنند. از اینرو مبارزه برای تأمین حاکمیت قانون و اجرای اصولی در برگیرنده حقوق و آزادیهای اساسی ملت مصرحه در قانون اساسی می‌تواند از نخستین و مؤثرترین اقدامات تاکتیکی نیروهای سیاسی آزادیخواه باشد که بیش از هر چیز به موفقیت آتی استراتژی کمک می‌کند. هدف این تاکتیک، تضعیف حکومت مطلقه فردی، تحکیم حاکمیت قانون بجای حاکمیت هرج و مرج، باز شدن نسبی فضای سیاسی و اجتماعی، فراهم شدن شرایط مناسبی برای مشارکت نسبی سیاسی و اجتماعی مردم در تعیین سرنوشت کشور، می‌باشد. اجرای اصول در برگیرنده حقوق و آزادیهای اساسی ملت مصرحه در قانون اساسی به این معنی است که: کلیه قوانین، آیین نامه ها و بخشنامه‌های مصوبه هر یک از سه قوای کشور یا هر نهاد دیگری که با قانونی اساسی مغایرت دارد لغو گردد - کلیه نهادها و ارگانهای مانند دادگاه انقلاب و دادگاه ویژه روحانیت که وجود آنها در قانون اساسی پیش‌بینی نشده است منحل شوند - همه افراد و نهادها خود را در برابر قانون و در مقابل مردم پاسخگو بدانند و برای همه افراد مسئول و حتی رهبر در برابر قانون یا تمامی شهروندان کشور اجرا شود - اصل ۱۴ قانون اساسی که تأکید بر رعایت حقوق غیرمسلمان در کشور دارد رعایت گردد - اصل ۶ قانون اساسی که اعلام می‌دارد امور کشور باید به آتکاء به آراء عمومی از راه انتخابات با همه پرسى اداره شود، اجرا گردد - هر قانون و بخشنامه‌ای که اختیارات و قدرتی برخلاف قانون اساسی به شورای نگهبان یا هر نهاد دیگری برای دخالت در امر انتخابات داده است لغو گردد - اصل ۱۰۰ قانون اساسی که مربوط به تشکیل شوراهای منتخب مردم در روستا، بخش، شهر، شهرستان و استان می‌باشد و تاکنون در هیچ جا به مرحله اجرا گذاشته نشده است، اجرا شود - اصول ۱۹ تا ۴۲ در فصل سوم مربوط به حقوق ملت و نیز اصول ۱۶۵ تا ۱۶۷ در فصل یازدهم قانون اساسی، بدون هیچگونه قید و شرطی اجرا شود. به موجب این اصول همه افراد ملت در مقابل قانون برابر خواهند بود، مردم ایران صرفنظر از قوم و قبیله، رنگ، نژاد، زبان باید از حقوق مساوی در جامعه برخوردار گردند، حیثیت و جان و مال و مسکن و شغل افراد از تعرضات غیرمستولانه مصون، دخالت در امور داخلی و زندگی خصوصی افراد و بازرسی و کنترل غیرقانونی مکاتبات و مکالمات تلفنی و مخابرات شهروندان ممنوع و امنیت شخصی افراد باید تأمین شود، تقشیش عقاید و سانسور ممنوع گردد، آزادی عقیده و بیان و قلم و آزادی نشریات و مطبوعات باید تأمین شود، بازداشت‌های غیرقانونی و خودسرانه و اعمال شکنجه‌های جسمی و روحی علیه متهم برای کسب اعتراف یا اقرار ممنوع گردد، برای هر متهم حق برخورداری از دادگاه علنی و مستقل و بیطرف و نیز حق انتخاب آزادانه وکیل مدافع رعایت شود، جرایم مطبوعاتی و سیاسی باید به صورت علنی و در حضور هیأت متصفه برگزار شوند، احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانونی باشند، اصل برائت رعایت گردد، هر عمل مغایر با شأن و حیثیت و اعتبار انسانی بر علیه متهم و زندانی ممنوع شود. تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها آزاد گردد، آزادی فعالیت احزاب و جمعیتها و انجمنهای سیاسی و صنفی باید تأمین شود. وادار کردن همین حاکمیت به تبعیت از قانون اساسی و اجرای اصولی از همین قانون که حقوق اساسی مردم را به رسمیت شناخته و تضمین کرده است، یک موفقیت بزرگ برای نیروهای آزادیخواه در راه تضعیف سلطه استبداد دینی می‌باشد.

به نظر من، هر نوع فعالیت سیاسی مسالمت آمیز که موجب تقویت ارتباط و برقرار گشتن و ایجاد تفاهم میان نیروهای آزادیخواه و ایجاد و تحکیم اتحاد عمل میان آنها شود، یا امکانی فراهم آورد تا این نیروها بتوانند نظرات و برنامه‌های خود را به میان افشار مختلف آن ببرند و نیز ارتباط دائمی و پویا و زنده و محکم آنها با توده مردم را برقرار سازد، سبب افزایش قدرت تشکیلاتی و انسجام بیشتر آنها شود، اعتبار این نیروها در سطح جامعه را افزایش دهد و تناسب قوا را از لحاظ کمی و کیفی به سود نیروهای آزادیخواه تثبیت و تحکیم نماید، و نیز بتواند مردم را به مبارزه علیه استبداد و نابرابری و به خاطر آزادی و عدالت اجتماعی و رفع بحران اقتصادی و نابسامانی‌های اجتماعی تشویق و تهییج کند، اعتراضات و مبارزات مردم را در عرصه‌های مختلف هدایت و رهبری کند، و به استبداد ضربه اساسی و قطعی وارد سازد و موجب تأمین آزادی و فضای باز در کشور شود... می‌تواند به مرحله عمل درآید. شمارها و خواستههای دمکراتیک باید به بیان توده‌های مردم بروند و آنگاه به یک قدرت مادی تبدیل شوند. برای افزایش قدرت بسیج و هدایت و ارتقاء مردم، باید به فعالیتهای اجتماعی توده‌ای گسترده روی آورد. باید سعی کرد تا در هر محیطی از کار و زندگی و تحصیل و محیطهای آموزشی و فرهنگی و هنری و ورزشی و ادبی و تفریحی و سرگرمی و... و در هر جایی که توده‌ها حضور دارند، ارتباط زنده و پویا و ارگانیک را با توده‌ها برقرار ساخت.

هدف از کار توده‌ای عبارت است از ارتقاء آگاهی سیاسی و اجتماعی توده‌ها و بالا بردن سطح فرهنگ آنها - ارتقاء درک آنها از دمکراسی و اهمیت و ضرورت تأمین دمکراسی در جامعه و تشویق روحیه فرهنگ دمکراتیک مردم - تثبیت اعتقاد واقعی به حقوق انسانی و احترام به شأن و مقام انسانی و ضرورت رعایت آن در زندگی روزمره در میان مردم ارتقاء شناخت و درک نیروهای سیاسی از روحیات و تفکرات و خواستها و نیازهای مردم و تشخیص صحیح اوضاع و شرایط جامعه - افزایش توان بسیج و رهبری توده‌ها در روند زندگی و کار روزمره و همیشگی یا توده‌ها.

به اعتقاد من مناسب‌ترین، بهترین و مطلوب‌ترین شیوه مبارزه نیروهای آزادیخواه کشور برای تحقق اهداف دموکراتیک خود، مبارزه‌ای مسالمت‌آمیز با پرهیز از اعمال خشونت کور و درگیری مسلحانه است. به اعتقاد من مبنای صحیح مبتنی است بر تقویت ارتباط با مردم، روشنگری و ارتقاء آگاهی مردم، ترویج ایده‌های دموکراتیک در جامعه، بسیج و تشکل نوده‌ها برای تحقق خواستها و مطالبات دموکراتیک و عدالتخواهانه، و تلاش برای اتحاد همه نیروهای آزادیخواه و تقویت مبارزه همه جانبه آنها. به نظر من مبنای صحیح و خردمندانه سیاسی می‌تواند که از جنبه‌ها، اعتصابات، تظاهرات و اعتراضات مسالمت‌آمیز اقشار مختلف مردم که برای تأمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک در جامعه، علیه استبداد حاکم، در دفاع از منافع و خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و صنفی خود، تأمین عدالت اجتماعی، در دفاع از صلح صورت پذیرد، به تمام نیرو حمایت شود اما از حرکتها و اقدامهایی که می‌تواند به گسترش تروریسم و ایجاد جنگ داخلی در کشور منجر گردد، حمایت نشود. هر فرد و نیرویی می‌تواند از هر امکانی و از هر فضایی برای شرکت در امور سیاسی و اجتماعی مبنی خود بهره‌جوید و بر علیه بی‌عدالتی‌ها و استبداد اعتراض نماید. اقشار مختلف مردم به اشکال متفاوتی و در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و... می‌توانند خواسته‌های خود را مطرح و برای تحقق آنها تلاش کنند. ارسال نامه‌های شکواییه و دادخواهانه، درخواستهای کتبی، جمع‌آوری امضاء برای خواسته‌های سیاسی یا صنفی، انتشار جزوات حاوی اخبار اعتراضات مردم و موارد نقض حقوق بشر در جامعه به همراه تحلیل‌های سیاسی روز با ارائه رهنمودهای واقع‌بینانه و عملی، مراجع دسته‌جمعی یا انفرادی به مقامات و نهادهای گوناگون، تحصن، دست از کار کشیدن، راهپیمایی اعتراضی، از اقدامات مؤثر و اشکال متنوع حرکات اعتراضی مردم می‌باشد. هیچ‌یک از این اشکال مبارزه را نمی‌توان مطلقاً رد کرد یا به طور مطلق آنها را پذیرفت بلکه باید دید هر یک از این اقدامات تا چه حد در خدمت به جنبش دموکراتیک مبنی تأثیر دارد. مردم و نیروی آزادیخواه می‌توانند برای باز شدن فضای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشور، از هر امکان و فرصت و موقعیتی و از هر کانال مناسب و شایسته‌ای برای حرف زدن، نوشتن، بیان و ابراز اعتقادات و انتقادات و افشاگری استفاده کنند. تا میدان خالی نماند. اگر راست است که حقوق اساسی مردم و نیروهای آزادیخواه نقض می‌شود، که می‌شود و اگر درست است که حق گرفتنی است که واقعاً همین‌گونه است پس باید حق را گرفت. در دفاع از حقوق انسانی و دفع تجاوز به این حقوق، مردم و نیروهای آزادیخواه با انگیزه به حق دفاع مشروع خود، می‌توانند مقاومت کنند. شکل مقاومت می‌تواند قاطع، پیگیر و جدی و در عین حال مسالمت‌آمیز و به دور از خشونت کور باشد. می‌توان در این روند مبارزه از همه اشکال و شیوه‌ها و ابتکارات مبارزه سیاسی مسالمت‌آمیز بهره‌جست.

نامه یک دوست

سلام

دوستان گرامی!

ضمن سلام، نشریه شما را مطالعه کردم. خوشحالمه از اینکه باز هم کسانی مانده‌اند که از آزادی و حقوق بشر و مبارزه و... می‌گویند. راهی دراز در پیش است و هنوز میلیون‌ها نفر (حداً ۷۰۰۰۰۰۰ نفر حتی رفرمیسیم پوشیده و جناح مقابل رقیب خود در حکومت را قبول ندارند و این تعداد چماق هنوز وزنه سنگینی است. آیا سبزه‌های مقاوم سفارش داده‌اید؟

من که سرم از بس شکسته است عادت کرده‌ام ولی تا کسی نباید روشنفکران سازمان و حزب و... بسازند و به خاک و خون کشیده شوند. شماها زندان (میهن این آقایان) بوده‌اید؟ حاج فلاں و حاج بهمانها را می‌شناسید؟ برای کاری چنین سرگرم اعتماد مردم ضروری است. ولی مردم بسیاری از "مدعیان آزادیخواهی" را قبول ندارند. مقصر نیستند، چون آنها برایشان کاری نکردند. حالا همه نشسته‌اند و به "جنگ اربابها" دل خوش کرده‌اند و متأسفانه هنوز آلت‌رناتیوی موجود نیست تا حداقل از این "تضاد"، سوء استفاده یا "استفاده" ببرد.

راستی نمی‌ترسید با خرافات و جهل در جامعه ضربه بزنید. سیل افراد ناآگاه خانه برانداز است، البته ما خانه‌ای نداریم. ولی به خانه‌های دیگران احترام می‌گذاریم!!

پیروز باشید

چند پیشنهاد برای گسترش کار

ح. آرزو

۱- برای شروع یا بهتر است بگویم آغازی جدید در شرایط موجود، مرامنامه موقت لازم به نظر می‌رسد برای عملی ساختن مرامنامه ارائه شده، از هفته‌نامه، ماهنامه، ... و اعلامیه باید کمک گرفت تا جو و فضای

علنی شدن با آگاهی بیشتر و بهتر در آگاهی "توده‌ها و مردم" جا بگیرد و پشتیبان بیاید.

۲- از افراد و اشخاص در شهرستانها - که مراکز و افراد و مجالس و انجمن‌ها را می‌شناسند و می‌دانند که می‌توانند، مرامنامه را برای مطالعه به آنها پیشنهاد دهند که اگر خواستند خود آنها "فردی یا جمعی" آنرا مورد نقد و بررسی قرار دهند.

۳- با آگاهی از فضای موجود بسیاری از هواداران سازمانها دموکراتیک که بنا به دلایلی، اینک بیشتر

الف: منفعل شده‌اند

ب: ذهن‌گرا، گذشته‌گرا، قهرمان‌گرا، افسانه‌سرا، ... شده‌اند.

ج: زده شده‌اند و پناه به "زن، مخدر، پول، مقام و ..." برده‌اند.

د: روانی شده‌اند و به انواع مختلف برون‌فکشی می‌کنند (شرم دارم از بیان بعضی موارد)

ه: کسی یا کسانی را نمی‌شناسند که نوری روزنی را نشان آنها بدهند.

و: عاشق عدالت و آزادی هستند ولی مطالعه، آگاهی، تجربه، درسی، ... ندیده‌اند. و مشتاق راهنمایی و مربی و معلم‌اند.

ز: در فضای دانشگاهها و حتی دبیرستانها، محیط مطلوب با ارائه برنامه و سمت و سوی مشخص، جای "عدالت و آزادی" خالی‌ست.

و ...

بنده به عنوان یک علاقمند به "هنر و ادبیات" و عاشق آرمان "عدالت"، با تمام هست و نیستی‌ام آماده‌ام برای شروع و پاگیری سازمان "اتحاد برای دموکراسی ایران" خدمت کنم. و بعد اگر اصلاحیه‌ای، نظری، نقدی، ... بود چون یک انسان شریف و متمدن به انسانیت، نظرم را آزادانه بیان خواهم کرد.

یک انسان که دوست دارد به خاطر انسانیت بمیرد تا انسان و انسانیت زنده بماند لیاقت نام آزادیخواه و عدالت‌جو را دارد.

با درود به روان همیشه زنده مبارزان راه عدالت و آزادی.

بیانیه و برنامه عمل وین

تصویب شده در
کنفرانس جهانی حقوق بشر،
۲۵ ژوئن ۱۹۹۳

کنفرانس جهانی حقوق بشر،
ضمن پذیرش تأکید بر اینکه تمام حقوق بشر از
شرافت و اراده ذاتی فرد بشر ناشی می‌شود و فرد
نشد، درآمده است حقوق بشر و آزادی‌های اساسی
است و درآمده است به بهره‌گیری از اصل «نه باشد و
نیست» تحقیق نه‌آل تلاش ورزید.

با تأکید بر تمام دولتهای که باید بر اساس منشور
ملل متحد، به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و
برای همگان، دروغ از تأیید نردی، حسی، زبانی
و دینی گسترش دهند و از آن حمایت کنند.

با توجه به دیگر آزادی‌هایی که در عرصه بین‌المللی
رخ داده و به تمام خلق خوشتر برقراری یک
نظم بین‌المللی بر مبنای اصول ذکر شده در منشور
ملل متحد هستند، منشوری که بر ضرورت گسترش و
تثقیل رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای
همگان و نیز رعایت اصل برابری حقوق و حق
خلقها در تعیین سرنوشت خویش و بر صلح،
دموکراسی، عدالت، برابری، حاکمیت قانونی
و کثرت‌گرایی توسعه، بهبود وضعیت زندگی و
همبستگی، تأکید ویژه دارد.

با نگرانی بسیار از نوع‌گوناگون تبعیض و خشونت
که هنوز در چهار گوشه جهان بر زنان تحمیل
می‌شود، تصویب رسمی بیانیه و برنامه عملی زیر را
علامت می‌کند:

۱. کنفرانس جهانی حقوق بشر بر تمام رسی تمام
دولتها به انجام وظیفه حمایت از رعایت عام، اجراء
و محافظت از مجموعه حقوق بشر و آزادی‌های
اساسی برای همگان، بر مبنای منشور ملل متحد و
دیگر اسناد حقوق بشر و حقوق بین‌المللی مجدداً
تأکید می‌کند. سرشت جهانگیر و عام بین حقوق و
آزادی‌ها انکارناپذیر است.

۲. تمام خلقها از حق تعیین سرنوشت برخوردارند.
بر اساس این حق، آنان نظام سیاسی خود را آزادانه
تعیین می‌کنند و توسعه اقتصادی، اجتماعی و
فرهنگی خویش را نیز می‌گیرند.

با توجه به وضعیت خاص خلقهای «سیر سلطه»
استعماری یا دیگر شکلهای سلطه یا اشغال‌یگانه،
کنفرانس جهانی حقوق بشر حق خلقها را برای انجام
تمام اقدامهای مشروع بر مبنای منشور ملل متحد
برای دستیابی به حق انکارناپذیر تعیین سرنوشت
خویش، به رسمیت می‌شناسد. کنفرانس انکار حق
تعیین سرنوشت را از موارد نقض حقوق بشر می‌داند
و امنیت تحقق کامل این حق را خاطرنشان می‌سازد.

۳. تمام افراد حقوق بشر، جهانگیر و تقسیم‌ناپذیرند
و به همه ویژگی متغییر و ربط‌ناگسنگ دارند.
جامعه بین‌المللی باید حقوق بشر را به‌نحوی فراگیر،

عادلانه و منصفانه، برای برابر در نظر گیرد و به
این حقوق همیشگی بکسان بدهد، اگرچه نباید
اهمیت ویژگی‌های ملی و منطقه‌ای و تنوع تاریخی،
فرهنگی و دینی را نادیده گرفت، تمام دولتها،
صرف‌نظر از نظم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود،
وظیفه دارند که به ترویج و حفظ تمام حقوق بشر و
همه آزادی‌های اساسی بپردازند.

۶. تلاشهای سازمان ملل متحد در راه رعایت و
جاری جهانگیر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی
برای همگان، به تیرت و آسایش لازم برای برقراری
روابط صلح‌آمیز و دوستانه میان ملتها و نیز به تأمین
شرایط مناسب برای صلح، امنیت و توسعه اجتماعی
و اقتصادی بر سه ستون منشور ملل متحد پاری
می‌رسند.

۸. دموکراسی، توسعه و رعایت حقوق بشر و
آزادی‌های اساسی به هم وابستگی متقابل دارند و
یکدیگر را تقویت می‌کنند. دموکراسی بر اراده
آزادانه بیان شده مردمی که نظام سیاسی، اقتصادی و
فرهنگی خاص خود را تعیین می‌کنند و نیز بر شرکت
همه‌جانبه آنان در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی
استوار است. بر این مبنا حفظ و تقویت حقوق بشر
و آزادی‌های اساسی در سطح ملی و بین‌المللی باید
عام و به دور از تحمیل هیچ قید و شرطی باشد.
جامعه بین‌المللی باید در راه تقویت و تثقیق
دموکراسی، توسعه، رعایت حقوق بشر و آزادی‌های
اساسی در سراسر جهان تلاش ورزد.

۹. کنفرانس جهانی حقوق بشر تأکید مجدد دارد که
کشورهای توسعه‌یافته که برای پیشبرد دموکراسی
و صلاحات اقتصادی تلاش می‌ورزند - از جمله
بسیاری از کشورهای «فریقینی» - باید از پشتیبانی
جامعه بین‌المللی به‌نحوی بهره‌مند گردند که مرحله
دشواری‌گذر به دموکراسی و توسعه اقتصادی را پشت
سر بگذارند.

۱۰. کنفرانس جهانی حقوق بشر تأکید مجدد دارد که
حق توسعه، آن چنان که در بیانیه حق توسعه مطرح
شده، حق جهانگیر و غیرقابل انکار است و بخشی
جدایی‌ناپذیر از حقوق اساسی انسان محسوب
می‌شود.

همان‌گونه که در «انیه حق توسعه آمده، فرد
انسان فاضل و هدف اصلی توسعه است. اگر توسعه،
راه بهره‌مندی از تمام حقوق بشر را هموار سازد،
نی‌توان برای توجیه محذور کردن حقوق به رسمیت
شناخته شده بین‌المللی، بر کمبود توسعه انگشت
گنارد.

دولتها باید برای تضمین توسعه و رفع موانع
آن همکاری کنند. جامعه بین‌المللی باید همکاری
بین‌المللی مؤثری را برای رفع این موانع و عملی
ساختم حق توسعه، در پیش گیرد.

برای پیشرفت پیاپی در عملی ساختن حق
توسعه، در عرصه ملی به سیاستهای توسعه مؤثر و
در سطح بین‌المللی به روابط اقتصادی عادلانه و
محیط اقتصادی مناسب نیاز است.

۱۱. حق توسعه باید به‌نحوی عملی شود که نیازهای
نسبهای کمتری و آسانی را در زمینه توسعه و
محیط زیست، عادلانه برآورد. سازد. کنفرانس
جهانی حقوق بشر متحد است که تخلیه غیرقانونی
مواد و زباله‌های شیمی و خطرناک، تهدیدی وخیم
برای حق بهداشت و حیات یکپارچه افراد است.

۱۲. کنفرانس جهانی حقوق بشر جامعه بین‌المللی را
فرمانی خوانده که برای کاهش بار سنگین بدهی
خارجی کشورهای رو به توسعه از هیچ تلاشی
خودداری نرورد و به کوششهای حکومتها این
کشورها برای دستیابی کامل به حقوق اقتصادی،
اجتماعی و فرهنگی ملتهایشان باری برساند.

۱۵. رعایت کامل بی‌تمیض حقوق بشر و آزادی‌های
اساسی، یکی از قواعد بنیادی حقوق بین‌المللی بشر
است. نابودی بی‌درنگ و کامل تمام انواع
نژادپرستی و تبعیض نژادی و نیز یگانه‌نرستی و عدم
تحمل دیگران‌پیشانی که با همه بین مستها همراه
است، از وظایف عاجل جامعه بین‌المللی است.
دولتها باید برای جلوگیری از این مستها و مبارزه با
آنها، تدابیر مؤثری در پیش گیرند.

۱۷. اقدامات روشها و اعمال تروریستی به هر شکل
و در تمام جوره‌هایشان در بعضی از کشورها، همراه
با تاجاق مواد مخدر، نابودی حقوق بشر، آزادی‌های
اساسی و دموکراسی را نشانه گرفته‌اند و تسامح
اورشی و امنیت دولتها را تهدید می‌کنند و
حکومتها می‌سفر قانونی را بی‌ثبات می‌سازند.
جامعه بین‌المللی باید تدابیر الزام‌آوری برای تقویت
همکاری در راه جلوگیری از تروریسم و مبارزه با
آن، در پیش گیرد.

۱۸. حقوق اساسی زنان و دختران بخشی ذاتی،
جدانشدنی و انتقال‌ناپذیر از حقوق جهانگیر است.
فرهنگی، در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، و
نابودی کامل انواع تبعیض مبتنی بر جنسیت، هدفهای
عاجل جامعه بین‌المللی است.

خشونت‌های مبتنی بر جنسیت و همه شکلهای
آزاد و بهره‌کشی جنسی، از جمله شکلهای که پیامد
پیشاوردهای فرهنگی و خرید و فروش بین‌المللی
زنان و کودکان هستند با حیثیت و شأن فرد آدمی
آش‌ناپذیرند و باید از میان برداشته شوند. برای
دستیابی به این هدف می‌توان تدابیر قانونی، اقدامات
ملی و همکاری بین‌المللی در عرصه‌های گوناگون
مانند توسعه اقتصادی و اجتماعی، آموزش، حمایت
از مادران، مراقبتهای بهداشتی و تأمین اجتماعی را
به کار گرفت.

حقوق اساسی زنان باید بخش جدایی‌ناپذیری
از فعالیتها سازمان ملل متحد را در عرصه حقوق
بشر تشکیل دهند و این فعالیتها باید پروژه تقویت
تمام ابزارهای لازم در زمینه حقوق زنان را دربر
گیرد.

کنفرانس جهانی حقوق بشر از حکومتها،
نهادهای سازمانهای بین‌دولتی و غیردولتی مصرانه
می‌خواهد که به تلاشهایشان در راه حفظ و تقویت
حقوق اساسی زنان و دختران به سرعت و گسترش
بخشند.

۱۹. (...) کنفرانس جهانی حقوق بشر تأکید مجدد
دارد که دولتها موظفند وضعیت را فراهم آورند که
اشخاص متعلق به اقلیتها بتوانند به بهره‌مندی کامل و
مؤثر از تمام حقوق و همه آزادی‌های اساسی بشر،
بی‌هیچ تبعیض و با برابری کامل در برابر قانون،
بر اساس بیانییه حقوق اقلیتهای ملی یا قومی، دینی یا
زبانی، دست یابند.

اشخاص متعلق به اقلیتها از حق بهره‌مندی از
فرهنگ خود، بیان اعتقاد و انجام آیینهای دینی
خویش و کاربرد زبان خود، آزادند و به دور از
هرگونه مداخله یا تبعیض، برخوردارند.

۲۰. کنفرانس جهانی حقوق بشر حیثیت ذاتی فرد
بومی و نقش بی‌همتای آنان را در توسعه و در تنوع
جوامع به رسمیت می‌شناسد و بر تمام خدمت
بین‌المللی به تأمین رفاه اقتصادی، اجتماعی
فرهنگی آنان و به بهره‌مند شدن این قوم
دستاوردهای توسعه پایدار تأکید مجدد دارد. دولت
باید مشارکت آزاد و همه‌جانبه بین اقوام را در تمام
عرصه‌های زندگی اجتماعی و پروژه در عرصه‌ها
موردعلاقه آنان تضمین کنند.

۲۱. (...) باید ساخت و کارها و برنامه‌های ملی
بسیارانی دفاع و محافظت از کودکان، سوز
دختران، بچه‌های سراسری، کودکان و نوجوانان،
کودکان قربانی بهره‌کشی اقتصادی و جنسی - سوز
بهره‌کشی برای قلیلهای مستحق با روسپری و
فروش اعضای بدن - بچه‌های قربانی بیاباری
از جمله مبتلایان به سندرم نارساییهای سینه
آبینه، کودکان پانده و بی‌خانمان، کودکان زنده‌ای
کودکان دیگر در مبارزات مسلحانه، و نیز کودک
قربانی قحطی و خشکالی یا دیگر وضعیتهای
اضطرابی را تقویت کرد. باید همکاری فرایند
همبستگی بین‌المللی گسترده را برای حمایت
و رعایت کونسورسین حقوق کودک تثقیق کرد
حقوق کودک باید در اقدامات سازمان ملل در عرصه
حقوق بشر از اولویت برخوردار شود.

۲۲. باید توجه ویژه به این امر داشت که معزولان
قربانی هیچ تبعیض نشوند و بتوانند از تمام حقوق
آزادی‌های اساسی بشر، در شرایط برابر بهره‌مند
گردند و از جمله در تمام عرصه‌های زندگی
اجتماعی شرکت فعال داشته باشند.

۲۳. کنفرانس جهانی حقوق بشر تأکید مجدد دارد
هر انسانی، بی‌هیچ تبعیضی از حق جستن و بد
پانده‌های برای دیگر کشورها برای خلاصی از آن
پیکرد و نیز از حق بازگشت به کشور خویش بهره
است.

۳۰. کنفرانس جهانی حقوق بشر بر نقش مهم
سازنده نهادهای ملی برای تقویت و حفظ حق
بشر، پروژه در مقام شورایی مقدمه‌ای در
صلاحیت، و نیز بر نقش آنها در جلوگیری از نقض
این حقوق و در بخش «خبر حقوق بشر
آموزشهای لازم در این زمینه، تأکید مجدد دارد.

۳۸. کنفرانس جهانی حقوق بشر بر اهمیت تمام
سازمانهای غیرحکومتی در حمایت از تمام حق
بشر و در اقدامهای بشردوستانه در سطوح
منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید می‌ورزد و بر کمک
به تلاش برای جلب توجه همگان به مسائل مربوط
حقوق بشر و تحقق برنامه‌های آموزشی، ترویج
پژوهشی در این عرصه و نیز به تقویت و ح

حقوق بشر و آزادی‌های اساسی ارجح می‌نهد. کفر
جهانی حقوق بشر در عین تأکید بر اینکه سفر
انسانی تدوین معیارهای لازم برعهده دولتهاست
کمکهای سازمانهای غیرحکومتی در این ز
قدرتانی می‌کند و به همین منظور اهمیت هیچ
گفتگو و همکاری میان حکومتها و سازما
غیرحکومتی را خاطرنشان می‌سازد.

احزاب برای تفکیک احتمال به اجمازه ندارند

برابر اصل ۲۶ قانون اساسی کشور احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی علی‌الاطلاق آزادند، مشروط بر این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. از این رو براساس اصل ۲۶ قانون اساسی، (که حتی کاملاً دموکراتیک نمی‌باشد) احزاب سیاسی و سازمانهای صنفی برای تشکیل و فعالیت‌پذیری، احتیاج به کسب اجازه و مجوز از هیچ نهاد و وزارتخانه دولتی ندارند. در «قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده» (مصوب ۱۳۶۰) تنها از «صدور پروانه» توسط وزارت کشور برای احزاب و سازمانهای سیاسی و صنفی صحبت می‌شود و نه از «صدور مجوز» برای آنها. در ماده ۶ این قانون اعلام می‌شود که «فعالیت گروه‌ها آزاد است مشروط بر این که مشمول تخلفات مندرج در بندهای ماده ۱۶ این قانون نگردند». و به این ترتیب براساس این ماده قانونی، فعالیت گروه‌های سیاسی و صنفی بدون نیاز به کسب اجازه آزاد است.

و در این قانون هرچه نیاز به کسب اجازه بوده است، به صراحت از کسب اجازه نام برده شده است. به عنوان مثال تبصره ۲ ماده ۶ قانون احزاب می‌گوید که «برگزاری راهپیمایی‌ها به صلاح وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ مقرر مبنای اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میادین و پارکهای عمومی یا کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است» به این ترتیب اگر حتی «قانون احزاب»، فعالیت احزاب را منوط به کسب اجازه از دولت می‌کرد، می‌بایست، همچنان که در رابطه با برگزاری راهپیمایی صراحتاً از کسب مجوز نام برده است، در این مورد هم چنین می‌کرد. ولی اساساً کسب اجازه از دولت برای فعالیت احزاب سیاسی و سازمانهای صنفی مخالف اصل ۲۶ قانون اساسی است. از این روست که در «قانون احزاب» تنها از صدور پروانه نه (کسب مجوز فعالیت) نام برد شده است و این دو مبنای یکسانی ندارند. در ماده ۱۷ قانون احزاب اعلام شده است که: «در صورتی که فعالیت تشکیلاتی یک گروه منشأ تخلفات مذکور در ماده ۱۶ باشد کمیسیون (ماده ۱۰) می‌تواند بر حسب مورد به تفصیل زیر عمل نماید:

۱- تذکر کتبی

۲- اخطار

۳- توقیف پروانه

۴- تقاضای انحلال از دادگاه»

به این ترتیب مشخص است که توقیف پروانه یکی از انواع مجازاتی است که براساس قانون احزاب در صورت تخلف گروهی علیه آن اعمال می‌شود. و پس از توقیف پروانه، اگر به دیگر گروه سیاسی یا صنفی منشأ تخلف گردید، این بار به دادگاه فرستاده می‌شود. به عبارت دیگر گروه سیاسی یا صنفی پس از توقیف پروانه باز هم می‌تواند به فعالیت ادامه دهد. و حتی به دادگاه فرستاده شدن پروانه یک گروه هنوز به معنای انحلال آن گروه نیست. بلکه ممکن است در دادگاه تیرنه شود و همچنان به فعالیت خود ادامه دهد. و نیز مشخص می‌شود که بنا به قانون احزاب دستور انحلال گروه سیاسی یا صنفی که به معنای توقف فعالیت آن می‌باشد تنها در صلاحیت دادگاه خاص است و نه هیچ مقام و مرجع و نهاد و شورا و وزارتخانه دیگری. چنین دادگاهی نیز مطابق با اصل ۱۶۸ قانون اساسی باید دادگاهی باشد در محاکم دادگستری که به شکل علنی، با حضور هیأت منصفه، با تأمین حق دفاع و داشتن وکیل مدافع برای آن گروه سیاسی، به پرونده آن گروه رسیدگی کند. علاوه بر همه این مسائل در تبصره ماده ۱۸ قانون احزاب گفته می‌شود که: «درآمد و هزینه گروه‌های پروانه دار باید در دفاتر قانونی ثبت شود...» و به این ترتیب خود قانون احزاب در اینجا نیز مشخص می‌سازد که: «گروه‌های پروانه دار» باید چه بکنند و به عبارتی بر وجود قانونی «گروه‌های بی پروانه» نیز صحه می‌گردد.

درباره مقررات زنی

پیرامون حداقل رفتار با زندانیان

کنفرانس سازمان ملل متحد که در ۱۹۹۵ در ژنو تشکیل شد، مقرراتی درباره حداقل رفتار انسانی با زندانیان به تصویب رساند. هدف از این مقررات، نشان دادن چیزی است که به عنوان پایه واسلوب عملی شایسته، درباره رفتار با زندانیان مورد قبول واقع شده است. در زیر تعدادی از مواد این مقررات را از نظر می‌گذرانیم.

ماده ۷ و ۸ تصریح می‌کند که باید زندانیان را بر حسب سن و جنسیت، سابقه محکومیت، نوع جرم، مدت مجازات، چگونگی شخصیت و وضعیت روحی، در قسمتهای مختلف زندان نگهداری شوند.

ماده ۱۰ تا ۲۱ تأکید می‌کند که در زندان شرایط بهداشتی از نظر وسعت مکان، هوای سالم، نور کافی برای زندانی مهیا باشد. وسایل بهداشتی به اندازه نیاز در اختیار زندانی قرار می‌گیرد. نظافت در تمام مکانهای زندان رعایت شود. زندانی بتواند از حمام‌هایی که در آن میزان گرما و سرما در فصول چهارگانه سال رعایت شود استفاده کند. زندانی به اندازه کافی پوشاک داشته باشد و اجازه داشته باشد به مناسبت‌های گوناگون لباسهای مختلف بپوشد. هر زندانی تخت‌خواب و رختخواب

مخصوص و تمیزی داشته باشد. غذای کافی در اختیار زندانی قرار گیرد.

ماده ۲۵ و ۲۶ اشاره می‌کند که هر روز باید طبیب زندان تمام زندانیان یا حداقل کسی که خود تقاضا می‌کند را معاینه کند و مدیر زندان موظف است که به سفارشات پزشک در مورد مقدار غذا و نوع آن، امور بهداشتی و نظافت، و ... توجه و به آنها عمل کند.

ماده ۳۱ می‌گوید هر گونه مجازات غیرانسانی و وحشیانه و قساوت‌بار ممنوع است.

ماده ۳۲ تصریح می‌کند انداختن زندانی به سلول انفرادی ممنوع است. نباید از مقدار غذای زندانی کم شود و هر گونه اقدامی که به جسم و عقل و روح زندانی آسیب برساند جایز نیست.

ماده ۳۳ تأکید می‌کند استعمال هر گونه وسایل شکنجه علیه زندانی ممنوع است انجام هر عمل برای مجبور کردن زندانی به کاری، ممنوع است.

ماده ۳۶ می‌گوید که باید زندانی امکاناتی و فرصتی داشته باشد تا خواسته‌ها و شکایات خود را به مدیر زندان یا بازرس برساند و هیچ فردی نباید متعرض وی شود بلکه باید به شکایات او به سرعت رسیدگی و نتیجه به اطلاع شاکی رسانده شود.

ماده ۳۷ تأکید می‌کند زندانیان باید از طریق مکاتبه، ملاقات حضوری، از حال خانواده خود آگاه شوند.

ماده ۳۹ تصریح می‌کند که زندانیان باید از اخبار کشور خود به

وسیله روزنامه، مجلات، رادیو و سایر ارتباط جمعی اطلاع حاصل کنند.
- ماده ۴۰ می‌گوید که باید برای زندانیان در زندان کتابخانه‌ای ایجاد شود و کتابهای مورد نیاز و علاقه آنان در آنجا وجود داشته باشد.

- ماده ۴۱ و ۴۲ تصریح می‌کند که حق قانونی هر زندانی است که با نماینده هر مذهبی که بخواهد ارتباط برقرار کند و با هر نماینده‌ای که نمی‌خواهد قطع رابطه کند و باید بتواند مراسم مذهبی مخصوص خود را برگزار کند و کتابهای مذهبی خود را با خود همراه داشته باشد.

- ماده ۴۶ تا ۵۱ تاکید می‌کند که باید افراد زندانبان دارای شایستگی و عواطف انسانی و از لحاظ فرهنگی و فراست طبیعی در سطح بالایی باشند. رفتار آنها عادلانه و الگوی خوبی باشد. کارشناسان متخصص در علوم روانپزشکی و علوم اجتماعی همیشه و تمام روز در زندان مشغول فعالیت باشند. مدیر زندان از لحاظ اخلاق و رفتار و علم مدیریت شایستگی کافی داشته باشد.

- ماده ۵۴ تصریح می‌کند که کارمندان زندان از به کار بردن هرگونه نیزه و زور ممنوع هستند، مگر به طور اضطراری در زمان دفاع از خود در مقابل هجوم زندانی یا مقابله با اقدام به فرار زندانی، آن هم به قدر ضرورت. بردن سلاح به داخل زندان ممنوع است.

- ماده ۷۷ تاکید می‌کند که باید وسایل آموزشی برای زندانی فراهم شود و سوادآموزی برای بیسوادان و افراد کم سن و سال اجباری باشد.

- ماده ۸۱ می‌گوید که باید به نمایندگان ادارات دولتی و اشخاص یا جمعیت‌های غیردولتی که در حمایت از زندانیان فعالیت می‌کنند، اجازه داده شود که با زندانیان در زندان ارتباط برقرار کنند و از هرگونه تلاشی که به منظور تأمین آینده زندانیان انجام می‌شود حمایت و آن را تقویت کنند.

شاخصهای اساسی حقوق بشر

با تکیه بر « اعلامیه جهانی حقوق بشر » و « میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی »، می‌توان مشخصه و معیارهای اساسی حقوق بشر را به صورت زیر ارائه داد:

الف) داشتن حق

- مسافرت در داخل کشور
- مسافرت به خارج
- گردهمایی و برگزاری اجتماعات مسالمت‌آمیز
- تبلیغ نظرات و کسب اطلاعات
- نظارت بر موارد تخلف از حقوق بشر
- استفاده از زبان قومی

ب) عدم وجود

- کار اجباری یا کار کودکان
- هرگونه مجوزی برای کار اجباری
- اعدام بدون محاکمه و یا «ناپدیدشدن»
- شکنجه یا اعمال فشار
- اعدام
- تنبیه بدنی
- بازداشت غیرقانونی
- عضویت اجباری در حزب یا سازمانی خاص
- مذهب اجباری یا ایدئولوژی رسمی در مدارس
- کنترل بر فعالیتهای هنری

- سانسور سیاسی بر مطبوعات
- سانسور نامه‌ها یا ضبط مکالمات تلفنی

ج) آزاد بودن در

- مخالفت سیاسی مسالمت‌آمیز
- انتخابات چند حزبی از طریق رأی‌گیری همگانی و مخفی
- برابری حقوقی و سیاسی برای زنان
- برابری اقتصادی و اجتماعی برای اقلیتهای قومی
- نشر مطبوعات مستقل
- نشر مستقل کتاب

- شبکه‌های رادیو و تلویزیونی مستقل
- دانشگاههای مستقل
- اتحادیه‌های کارگری مستقل

د) برخورداری از حق قانونی

- ملیت
- اصل بر برائت بودن
- امکانات قضایی رایگان به هنگام لزوم و عدم اجبار به افشای عقاید و نظرات شخصی
- دادگاه علنی
- تشکیل سریع و به موقع دادگاه
- امنیت منزل در برابر تجسس بدون مجوز پلیس
- حفظ اموال شخصی در برابر مصادره خودسرانه
- ه) برخورداری از حقوق شخصی در
- ازدواجهای بین نژادی و بین مذهبی و ازدواجهای رسمی (از طریق شهرداری و...)
- برابری زن و مرد در ازدواج، و فسخ آن و طلاق

- به جا آوردن آداب مذهبی

- تعیین تعداد فرزندان

نامه ای از کردستان

محمد کردی

مناطق کردنشین و کردستان در اثر بی‌توجهی دولتمردان و دولت مرکزی و جنگ داخلی و جنگ‌های ایران و عراق دچار صدمات جبران ناپذیری شده است. خلاصه‌ای از وضعیت موجود کردستان از نظر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی به قرار ذیل است:

• الف - وضعیت اقتصادی: اوضاع اقتصادی بدلائل شرایط امنیتی و سیاسی منطقه بسیار بحرانی است. سالیان درازی است که به بهانه عدم امنیت منطقه و یا تهدید شورشیان کرد از هرگونه سرمایه‌گذاری اساسی اجتناب می‌شود. فقدان زمینه‌های لازم جهت اشتغال کارگران در روستاها و شهرها و عدم امکانات بهداشتی و آموزشی مناسب و کافی موجب مهاجرت مداوم روستائیان به شهرهایی گردیده که حتی از امکانات کافی برای همان جمعیت قبلی برخوردار نبوده است و تنها به محلات فقیرنشین شهر افزوده شده و باعث گسترش وسیع بی‌کاری و افزایش فقر عمومی گردیده است در سراسر این مناطق دریغ از یک کارخانه و یا کارگاهی که بتواند زمینه اشتغال چند صد نفر را فراهم آورد. خیل عظیم بی‌کاران به طرق مختلفی چون خدمت در باند و دسته‌های قاچاق و از جمله مواد مخدر و یا بصورت کارگران فصلی در خدمت

نامه چند نفر از کارگران چاپخانه‌ها

همانطور که همه ما میدانیم مدت طولانی است که وضع زندگی ما به وخامت گرائیده و پریشان حالی در درون خانواده‌های ما بوجود آمده است. بیکاری، گرانی و درماندگی در میان ما فشار دائم التزایدی بوجود می‌آورد که همه آنها ناشی از شرایط ناهنجاری است که در داخل صنف ما بوجود آمده است. زیرا مدت طولانی است که امور صنفی و تولید چاپ دچار بحران گردیده است. قبل از انقلاب سال ۵۷ وضع اقتصادی ما بمراتب از امروز بهتر بوده، بعد از انقلاب و هر تحول بزرگ اجتماعی، ضایعات فراوانی بوجود آمد و همچنین جنگ ما با عراق آنها هم به مدت ۸ سال نمی‌توانست بدون خرابی‌های وسیع و دامنه‌داری باشد. به همین دلیل فشارهای مختلف زندگی و همچنین کم‌بودها برای خانواده‌های ما قابل توجیه بود. پس از پایان جنگ، همه ما این امید را داشتیم که به تدریج آسایش و رفاه به خانواده‌های ما بازگردد و کار تولید چاپ جایگاه واقعی خود را بیابد. با اینکه اکنون بیش از ۸ سال است که از پایان جنگ می‌گذرد در اوضاع زندگی ما کارگران نه تنها بهبودی بوجود نیامده، بلکه فشارهای اقتصادی دم به دم افزایش می‌یابد. البته در وضع کنونی صاحبان واحدهای تولیدی صنعت چاپ به اندازه ما نگران وضع رفس‌بار صنعت چاپ نیستند، زیرا در اوضاع پرآشوب اقتصادی فعلی نه فقط فعالانند بلکه برخی از آنان نسبت به گذشته سودهای عظیمی بدست می‌آورند. روند فعلی صنعت چاپ با آنکه به نفع سرمایه‌داران است، اما برای ما کارگران روشن است که چنین روندی با جریان طبیعی اقتصادی و جریان طبیعی تولید کاملاً متضاد است و نمی‌تواند دوام بیاورد و همانطوریکه تاکنون ویرانیهای فراوانی را برای صنعت چاپ بوجود آورده است نمی‌تواند آینده روشنی را نوید دهد. ما معتقد بر ایجاد امنیت اقتصادی هستیم، امنیتی که جلوی سوء استفاده‌های کلان را بگیرد و حداکثر سود معقول سرمایه را تضمین کند و هم از حقوق اقتصادی، اجتماعی و صنفی نیروی کار حمایت نماید. امنیتی که شرایط سالم جریان تولید را بوجود آورد و روند دائمی آن را تضمین نماید.

ما (نویسندگان این نامه) معتقدیم مشکلات و گرفتاریهای متعدد صنفی ما بدون حل بحران کنونی صنعت چاپ قابل حل نخواهد بود. و بدون حل مشکلات و گرفتاریهای کارگران، بحران کنونی تولید قابل حل نخواهد بود. بنابراین اگر ما بدون توجه به شرایط بحران صنعت چاپ فقط به چگونگی حل مشکلات صنفی خود بیندیشیم به نتیجه مطلوب نخواهیم رسید. باکمی دقت و توجه همگی درخواهیم یافت که درهم ریختگی حقوق صنفی ما و بحران در صنعت چاپ هردو ناشی از اختلالی است که در صنعت چاپ ظاهر شده‌است و چنانچه نظم آگاهانه‌ای در تولید صنعت چاپ مسلط گردد، پایگاه حقوق صنفی ما از موقعیت قانونی مستحکمی برخوردار خواهد بود.

بنابراین مبارزه صنفی ما زمانی ثمربخش خواهد بود که:

- ۱- اتحاد و همبستگی کارگران بر اساس دفاع از حقوق صنفی بوجود آید و شکل سازمانی آن (سندیکا یا شورا) براساس دموکراسی تشکیلاتی و رعایت حفظ حقوق مساوی همه افراد پایه‌گذاری گردد.
- ۲- تنظیم برنامه مبارزه پس از بحث و گفتگو در همه مسائل صنفی و حقوقی افراد و نتیجه‌گیری لازم از آن با در نظر گرفتن ضرورت پیشرفت صنعت چاپ و در نظر گرفتن مصالح جامعه صورت گیرد. در واقع لازم پیشرفت صنعت چاپ، با تقویت روحی و اخلاقی و همچنین ایجاد شو

صنایع ساختمان‌سازی تهران و مناطق توسعه یافته‌تر ایران قرار می‌گیرند و یا در دره‌های پایین و پست‌ترین شغلها و با حداقل دستمزد (مانند باربری و بارکشی) در بازار تهران و بندرهای جنوب کشور برای مدت کوتاهی مشغول بکار می‌شوند، تا بتوانند لقمه نانی برای خانواده پرجمعیت و اکثراً بی‌کار خود بدست آورند. برخی از جوانان کُرد برای فرار از فقر و بی‌کاری و امنیت جانی به کشورهای همجوار و یا اروپایی پناه می‌برند. برای نمونه، رادیو بی‌بی‌سی در ساعت ۱۹/۴۵ بعدازظهر روز شنبه ۷۶/۹/۶ خبر از فرار دسته جمعی ۷۰۰ کُرد داد که به گفته پلیس ایتالیا بیشتر آنها «کُرد ایرانی» بوده و ۸۵ نفر از آنان زن و کودک است. آنها مدتی در آبهای مدیترانه سرگردان بوده و ایتالیا از ورود آنها ممانعت نموده است. این عده عمدتاً پناهنده اقتصادی و سیاسی بوده و بنا به همین گزارش حدود ۲۰ هزار کُرد دیگر در انتظار ورود به کشورهای اتحادیه اروپا بسر می‌برند که شمار زیادی از آنان نیز «کُرد ایرانی» هستند. برای مردم منطقه آشکار شده است که وعده‌های مقطعی مسئولین پوچ و توخالی بوده و تاکنون هیچگونه تأثیری مثبت دربر نداشته، بلکه تنها دست‌آویزی سیاسی جهت عوامفریبی و خوشبین ساختن واهی مردم کُرد بوده است.

ب - وضعیت فرهنگی و اجتماعی: بواسطه اینکه تحصیلات و از جمله دوره ابتدایی با زبان رسمی یعنی فارسی صورت می‌گیرد و به دلیل عدم آشنایی کافی فرزندان مردم کُرد به زبان تدریس و نیز ممنوعیت آموزش زبان کُردی، افت تحصیلی، محرومیت از تحصیل، ترک تحصیل، بیسواد و فقر فرهنگی را تداوم بخشیده است. تحت لوای ترویج مذهب رسمی در مدارس دولتی مذهب مردم کردستان نیز مورد تهاجم قرار گرفته و آمرین به معروف از مراسم و سنت‌های ملی و ایرانی کُردها به شیوه‌های گوناگون جلوگیری بعمل آورده و از برپایی جشنها و شادیاها و حتی مراسم چهارشنبه سوری و عید نوروز باستانی تحت مبارزه با آتش‌پرستی جلوگیری می‌شود. علاوه بر آن، دست‌هایی در کار هستند که اعتیاد را بصورتی گسترده در میان جوانان کُرد اشاعه می‌دهند. و در پی بهره‌برداری سیاسی از آن هستند.

ج وضعیت سیاسی: سرزمین فرزندان کاوه‌آهنگر سالیان درازی است شاهد مبارزه‌ای پی‌گیر برای پاسداری از شرف، هویت، جاوادی و آزادی و ستیز با ظلم و ستم و محرومیت است. در خلال این سالها خون بسیاری از مردم کُرد به اتهامات واهی در سراسر این سرزمین ریخته شده، چه بسیار گورهای جوانان و مردان بی‌نام و نشانی بر فراز تپه‌ای، در دامنه کوهی، و یادگوری جمعی که نشان از رشادتهای این مردم رشید است. و اما حال: پس از کشتارهای جمعی، اعدامها و تیربارانهای صحرایی، شکنجه‌های یادآور قرون وسطایی، زندانی، تبعید و تحت تعقیب قرار دادن‌ها، و اینک با ترویج بدبینی و عدم اعتماد در میان مردم و جو شدید پلیسی، هنوز «خبر روزه» همچنان تعقیب و ترور فرزندان تبعیدی از وطن و کشتار و بمباران است.

واضح است در این مرحله از مبارزه نزدیکترین وظیفه ما تشکیل سازمان صنفی با مشارکت فعال اکثریت کارگران است. سازمانی با وسیع‌ترین شیوه دموکراتیک که همبستگی دائمی کارگران را مرتب ارتقاء دهد. و باندازه کافی آگاه نسبت به منافع صنفی و به اندازه کافی دارای قدرت تشخیص در جهت تطبیق منافع صنفی با مصالح جامعه باشد. و همچنین در انجام وظایف خود آنچنان دقیق باشد که تکیه گاه مطمئنی برای همه ما کارگران گردد. ایجاد چنین سازمانی که با هر گونه شرایط اجتماعی بتواند وظایف رهبری مبارزات صنفی ما را بتواند انجام دهد، اتکاء مطمئنی برای همه ما خواهد بود از این نظر ما از همه همکاران خود دعوت بعمل می‌نمائیم در این تلاش صنفی فعالانه شرکت نمایند و پس از بحث و گفتگوهای لازم به نتیجه قطعی برسیم. بدین وسیله سازمان صنفی خود را پایه‌گذاری نمائیم.

• ذوق کاری در میان کارگران ارتباط مستقیم دارد که آنها فقط از طریق پیشرفت زندگی و برخورداری کارگران از موهبت‌های کاری‌شان امکان پذیر است. و همانطوریکه موظف منافع و مصالح جامعه را در نظر بگیریم، جامعه نیز موظف است مصالح و منافع اقتصادی و حقوقی ما کارگران را در نظر بگیرد. روابط اجتماعی، روابطی است متقابل و برای آنکه ما بتوانیم در ایجاد چنین روابطی نقش موثری داشته باشیم باید بتوانیم در اداره تولید صنعت چاپ با حفظ حقوق صنفی‌مان جای مناسبی داشته باشیم. یعنی نمایندگان صنفی ما باید در تصمیم‌گیری‌های مدیریت در اداره تولید شرکت داشته باشند. حضور نمایندگان صنف ما در چنین جایگاهی علاوه بر اینکه به ایجاد عدالت اجتماعی کمک موثری خواهد داشت. عامل بسیار موثری در تنظیم صحیح روابط کاری خواهد بود. که نه فقط ضایعات تولید را به حداقل خواهد رساند، بلکه مانع از هدر رفتگی هر گونه انرژی کاری خواهد بود و ایجاد چنین مناسبات کاری، چهارچوب مستحکمی برای پیشرفت و تکامل صنعت چاپ خواهد بود.

فویای قدرت در نظام‌های بسته

بین آنها و مردم عادی، آنها را پرهیت و شکوه معرفی کرده و مردم را در مقابل آنها خوار و ذلیل فرض کرده که مطیع اوامر ملوکانه هستند و هیچ حرفی بالای حرف آنها نیست، یک نوع وحشت در بین مردم ایجاد می‌کنند که حاصل آن بروز فویای قدرت در جامعه است.

برای از بین بردن فویای قدرت در بین مردم، راهی نداریم بجز باز کردن درهای بسته جامعه، و اجازه دادن به عموم مردم برای شرکت در قدرت برای تقبیل قدرت صاحبان قدرت که خواسته و ناخواسته فویای قدرت را در جامعه ایجاد کرده می‌کشند. بی‌چیز مردم شلخته حکومت‌های بسته جلوگیری نمایند.

مردم بی‌دلیل از تمام لباس قانون پوشش‌ها می‌ترسند و آنها را اهرم‌های دولت برای ایجاد تسلط و سلطه می‌دانند.

از طسرفی در نظام‌های بسته چون بسیاری از مردم عادی می‌توانند خود مجریان پنهان قانون را بپشتانند، بنابراین مردم همواره از همانند خود نیز ترس و واهمه دارند و این فویای قدرت دائماً تن آنها را می‌روزد.

نمایش هر چندگاه قدرت در معابر در نظر عمومی بی‌هیچ تردید با هدف افزایش فویای قدرت در جامعه صورت می‌گیرد و کنترل کنندگان این نوع جامعه‌ها از مانورهای صوتی برای ره یافت به عامل‌های قبض قدرت استفاده کرده و در فرایند سلطه و سلطه‌پذیر، تسلط خود را دائماً به گوش و هوش مردم می‌رسانند.

صاحبان قدرت معمولاً در جامعه‌های بسته به شیوع شایعه‌های قدرت مابسانه نیز می‌پردازند و شخصیت‌های توخالی خود را به عنوان متفکر و خبره و آگاه معرفی‌کنند و یا اینکه با کشیدن دیواری

جوامع بسته ولیسته به فویای آنهاست و این آنها هستند که باید با اعتراض خود رفتار صاحبان قدرت را کنترل نمایند نه اینکه صاحبان قدرت با اعمال قدرت آنها را تشنگاب به پیشبرد اهدافشان بکنند.

از نظر دیگره صاحبان قدرت اگر دارای پایگاه مردمی باشند و این پایگاه خولستگاه درونی در بین مردم داشته باشند، بی‌تردید به جای افزودن بر لطمه‌های قدرت به افزونی بیش و نگرش مردم می‌شدند و خود را در دل مردم جای می‌دهند؛ همان چیزی که در جامعه‌های بسته وجود خارجی تاکنون نیافته است.

همانطوریکه در روستاهای کوچک مردم از معلمان مدارس ترس و واهمه دارند و تکرار آنها را بی‌چیز و چرا می‌کشند؛ در شهر نیز مردم از هر لباسی قانون پوششی می‌ترسند و در مقابل از معلمان مدرسه قسری به خود راه نمی‌دهند.

چون هر لباس قانون پوششی منجری قانون نیست شاید خود نیز ناقص قانون باشد ولی شخص نیست چرا

افزوده و از ایجاد هر نوع دگرگونی که احتمال به هم ریختن رابطه سلطه و سلطه‌پذیری است. جلوگیری نمایند.

هر استبداد و وابستگی مردم به صاحبان قدرت بیشتر باشد به همان اندازه ترس آنها نیز بیشتر است چرا که می‌ترسند مبادا با عملکرد خود، موجب قهر آنها را فراهم کرده و مورد خشم و غضب آنها قرار بگیرند. صاحبان قدرت در جامعه‌های بسته از آن که مردم از آنها بترسند آنها از مردم می‌ترسند چرا که قدرت آنها وابسته به همان بسته بودن جامعه است و گونه فویای قدرت نمود پیدا کرده و عامل ایجاد ترس و واهمه در بین مردم بشود، نخواهد بود.

هر اندازه مردم از آنها بیشتر می‌ترسند مردم از آنها بترسند چرا که قدرت آنها وابسته به همان بسته بودن جامعه است و گونه فویای قدرت نمود پیدا کرده و عامل ایجاد ترس و واهمه در بین مردم بشود، نخواهد بود.

واقعی اجتماع از آن گریزان هستند. برای مثال در میان اهرم‌های قدرتی که هستند و نادانسته ترس ایجاد می‌کنند، برای وهایی از بین بسته، متوسل به پدیده‌های زشتی چون دروغ می‌شوند.

همین ترس‌هایی بی‌مورد با گذشت زمان عوامل غیر واقعی نیز پیدا می‌کنند و کم کم جای پای خود را در بدن آدم‌ها محکم کرده و چون خوره وجود مردم را می‌خورند. صاحبان قدرت در نظام‌های بسته، هر اندازه قدرت بیشتری در اختیار داشته باشند، همان اندازه فویای قدرت در جامعه نیز بیشتر می‌شود، در حالی که هیچ دلیل عقلی برای آن نیست. یعنی معلوم نیست چرا هر چه قدرت صاحبان قدرت بیشتر می‌شود ترس مردم از آنها بیشتر می‌گردد. حتی بدون اینکه فکر مقابله با صاحبان قدرت هم در سر داشته باشند!

بناظر می‌رسد صاحبان قدرت بر آن هستند با قدرت نمایی در جامعه‌های بسته بر این فویای خود ایجاد کرده دامن زده و زیر دستان سلطه‌پذیر خود را در ترس دائمی نگه دارند تا بدین طریق بر تسلط خود

فویا به عنوان یک اصل روان شناختی به آن قسم از ترس‌هایی اطلاق می‌شود که در تجزیه و تحلیل‌های اجتماعی، علت یا علت‌العلل خاصی نمی‌توان برای آن تصور کرد و یا اگر هم علت و یا عللی نیز بتوان عنوان کرد تکیه گاه علمی خاصی ندارد؛ مانند ترس از مردم، ترس از تاریکی.

قدرت نیز چون برخاسته از اهرم‌های سیاسی، جامعه است و معمولاً در جامعه‌های بسته کنترل کننده تشنه‌های اجتماعی است؛ گاهی اوقات به عوض اینکه آرامش در جامعه بوجود بیاورد، ایجاد ترس و آن هم از نوع فویا می‌کند که خود قابل تأمل است.

مردمی که خود را در نظام‌های بسته می‌بینند گاهی اوقات بدون اینکه خود بلدند از اهرم‌هایی که معمولاً در خدمت قدرت هستند یک نوع ترس و دلهره دائمی دارند. این ترس و دلهره موجب می‌شود نتوانند آن گونه که لازم است بسته و ظالیف اجتماعی خود پرداخته و همواره برای فرار از این اهرم‌ها متوسل به فرایندهای می‌شوند که بیسنان و ساختارهای

این جانب به عنوان رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وظیفه دارم مطالبی را راجع به دادگاه مرسوم بدنه "دادگاه ویژه روحانیت" که هرگز نباید هر چند برای عده‌ای ممکن است تلخ باشد چنانچه معمولاً طبیعت حق تلخ است؛ دادگاه ویژه که عامل لطمه زدن به چهره و شخصیت بسیاری از علماء و مراجع بوده و به بهانه‌های واهی در همه کارها حتی در کار مریدیت شیعه و مراجع تقلید دخالت‌های ناروا می‌کند، هیچ گونه مبنای قانونی نداشته و تشکیل آن برخلاف قانون اساسی است به چند دلیل؛

دلیل اول: در اصل شصت و یکم قانون اساسی آمده است: «اعمال قوه قضائیه، بر سبیل دایه‌گاہی دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود».

معظم است که: «دادگاه ویژه روحانیت» از دادگاه‌های دادگستری و زیر نظر قوه قضائیه نیست، و به قوانین و مقررات قضائی کشور اعتناء ندارد. بنابراین حق دخالت در امور قضائی ندارد و متصدیان آن باید نزد خدا و ملت پاسخ‌گوی اعمال خلاف قانون خود باشند.

دلیل دوم: فرض کنید شخصی با مقامی در کشور هر چند عالی‌رتبه مثلاً تشکیلاتی به نام «دادگاه ویژه» با مقررات مخصوص به خود در مقابل قوه قضائیه کشور اختراع کند که مستقل عمل نماید و در برابر اعمال خود به قوه قضائیه کشور پاسخ‌گو نباشد. بدون شک این عمل آن مقسم مخالف قانون اساسی تلقی می‌شود که اگر از روی عمد باشد جرم است، و اگر از روی غفلت و اشتباه باشد باید از اشتباه خود برگردد و خسارتهای وارده را جبران نماید. از طرف دیگر ما می‌بینیم که ذیل اصل یکصد و هفتم قانون اساسی راجع به رهبر کشور می‌گوید: «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است».

بنابراین همان‌طور که رئیس جمهور مثلاً حق ندارد دادگاهی مستقل در مقابل قوه قضائیه تشکیل دهد رهبر نیز چنین حق ندارد و باید مطابق اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی مجلس خبرگان رهبری که مسئولیت بررسی عملکرد رهبری را دارا است به این عمل رهبر رسیدگی نماید.

دلیل سوم: در اصل یکصد و دهم قانون اساسی وظائف و اختیارات رهبر در یثرت قوه مشخص شده است و در بین آنها نامی از تشکیل دادگاه ویژه روحانیت برده نشده، بنابراین تشکیل آن قانونی نیست. لازم است توجه شود: انتخابات خبرگان رهبری از ناحیه ملت، و انتخاب مقام رهبری از ناحیه خبرگان هر دو بر اساس قانون اساسی کشور است، و ملت بر سبیل خبرگان، رهبری و انتخاب می‌نماید که سلاً پای‌بند قانون اساسی باشد و از آن تخلف نکند.

دلیل چهارم: «دادگاه ویژه» از ناحیه مجلس شورای اسلامی تصویب و تأیید نشده، و مقررات آن نیز به تصویب مجلس نرسیده است.

مادامی که مقرراتی به تصویب مرکز قانون‌گذاری کشور نرسد ارزش قانونی ندارد و مجراء آنها جرم محسوب می‌شود. اگر بنا باشد بدون مراجعه به کانون قانون‌گذاری، قانون تراضی شود خطر استبداد و با هرج و مرج کشور را تهدید می‌کند. در جهان امروز قانون‌گذاری فردی و بی‌اعتنائی به قوه مفتی کشور خاطره سره حکومتهای استبدادی شاهانه را بیاد می‌آورد و در نتیجه حرمت انقلاب ملت شکسته می‌شود. تخلف از قوانین و مقررات موضوعه کشور علاوه بر اینکه نفعی به حقوق ملت است و آنان را بدبین و سائرس می‌کند، در روابط بین‌الملل نیز اثر منفی دارد زیرا سرجب بی‌اعتنای دولتها و شخصتهای حقوقی و اقتصادی جهان و بالنتیجه انزواء سیاسی و اقتصادی کشور خواهد شد. ضمناً مجلس شورای اسلامی نیز حق ندارد برخلاف قانون اساسی قانونی بگذارد و هیچ‌کس نباید

لايحه تخلفات اداري و نقض آزاديهاي اساسي

در لايحه تخلفات اداري مصوب مجلس شورای اسلامي، به تخلفاتي که مستوجب اخراج از ادارات دولتي می شود، اشاره شده است. برخی از اين تخلفات عبارتند :

- ۱- ارتباط و تماس غير مجاز با اتح بيگانه
 - ۲- رعايت نکردن حجاب اسلامي
 - ۳- رعايت نکردن شئون و شعائر اسلامي
 - ۴- شرکت در تحصيل، اعتصاب و تظاهرات غير قانوني يا تحريك ديگران به کارشکني يا کم کاری
 - ۵- عضويت در يکي از فرقه های ضاله که از نظر اسلام مردود شناخته شده اند.
 - ۶- عضويت در سازمان هايي که مرامنامه يا اساسنامه آنها مبتني بر نفی اديان الهی است يا طرفداري و فعاليت به نفع آنها
 - ۷- عضويت در گروه های محارب يا طرفداري و فعاليت به نفع
 - ۸- عضويت در تشکيلات فراماسونري
- متخلفين به اخراج موقت يا دائم و حتي محروميت هميشگي از خدمت در ادارات دولتي محکوم خواهند شد.
- کاملاً آشکار است که خود اين لايحه اساساً موردی از نقض حقوق و آزاديهاي اساسي مردم ا.

نامه های از محله شماره دو

ولی پيرنيا

باسلام

مدت دو ماه پيش در محله شماره دو (خليج) اداره برق اقدام به نصب چراغ و روشنائي روی تير برقهای کوجهما و خيابانها کردند ولی متأسفانه شورای محل که مشخص نيست به وسيله چه اشخاصي انتخاب شده اند همراه با بخشداري محله چهار دانگه شعبه شماره دو خليج بابت هر چراغ دو هزار تومان از ساکنين کوجهما و خيابانها دريافت کردند. که البته چندين نفر از ساکنين به اداره برق مراجعه کردند و از طرف آن اداره گفته شده که بابت نصب چراغ نه اداره برق و نه هيچ ارگاني نبايد پولی دريافت کنند.

به علت درست نبودن قانون و ضعف قوه قضائيه در مسکنت دست افراد کلاهبردار، نزولخوار و رباخوار باز گذاشته شده و هر روز در هر نقطه ای از شهرها و حتی روستاها اين افراد خون مردم را مثل زالو می مکند و دولتي که راهش حمايت از مردم نيست دست روی دست گذاشته است. همه آنها به ريش مردم زحمتکش می خندند.

به اميد روزی که مردم زحمتکش ايران به وسيله نيروهای مردمی و گروههايی که وقت و زندگي خود را وقف سريندي زحمتکشان و مردم ستمديده اين مملکت کرده اند آگاه شده و ريشه ظلم و فساد را از کشور ايران عزيز برافکنند.

به اميد موفقيت شما عزيزان

درد فاع از زندانيان سياسی و عقيدتی کشور

" سازمان اتحاد برای ديمقراسی در ايران " در آذر ماه ۱۳۷۶ اسامي برخی از زندانيان سياسی و عقيدتی کشور زندانهای اوين و گهرنشت کرج را اعلام نمود و در اختيار هموطنان و نيروهای مبارز قرار داد. اينک نيز اسامي برخی ديگر از اين زندانيان را اعلام می نمايد :

نام و نام خانوادگی	نوع اتهام	زمان دستگيري	مدت محکوميت	محل حبس
ابراهيم مجد آبادی	همکاری با سازمان مجاهدين خلق ايران يا قصد خروج از کشور برای پيوستن به ان	۱۳۶۹	۱۰ سال	اوين سالن ۱ آموزشگاه
محمود رنگ اميز	" " "	۱۳۷۵	نا معلوم	" "
سعید صفت بقا	" " "	" "	" "	" "
رسول حسين آباديان	" " "	" "	" "	" "
کوروش نيك اختر	اقدام به ترور هاشمی رفسنجانی	۱۳۷۴	ابد	" "

منشور حقوق سندیکایی

شورای عمومی فدراسیون سندیکایی جهانی
ورشو، ۱۴ دسامبر ۱۹۵۴

۱- حقوق کارگران

کارگران حق دارند اتحادیه کارگری (سندیکا) تشکیل دهند، به اتحادیه‌های موجود بپیوندند و در مرمعلیت اتحادیه‌ای شرکت کنند، بدون اینکه اجازه یا کنترل مقامات دولتی یا کارفرما لازم باشد. کارگران حق دارند در محل کار خود و یا در مراکز دیگر ملاقات کنند، بحث نمایند و عقاید خود را در مورد تمام مسائلی که به آنها مربوط است آزادانه ابراز دارند. آنها حق دارند که مطبوعات مورد نظر خود را بخوانند نشریه‌های اتحادیه‌ای و کارگری را توزیع کنند، و برای اتحادیه تبلیغ نمایند.

کارگران حق دارند در کارخانه‌های دولتی با خصوصی و در هر محل کار دیگر نمایندگان کارگران، نمایندگان اتحادیه و یا رهبران سازمان اتحادیه کارگری را انتخاب کنند، که اسر نمایندگان برای دفاع از منافع کارگران مسئولیت خواهند داشت. هر کارگری حق دارد به‌عنوان نماینده انتخاب شود. کارگران حق دارند که با سازمان اتحادیه‌ای خود و یا نماینده‌ای را که خود انتخاب کرده‌اند، در مسئله‌ای را که به منافع عمومی، خصوصی و یا شخصی آنها مربوط باشد، مطرح سازند. کارگران حق دارند در هر فعالیتی در دفاع از منافع خود، چه اعتصاب چه تظاهرات و چه معاینات‌های دیگر اتحادیه‌ای، شرکت کنند.

تحت هیچ شرایطی کارفرمایان و یا مقامات دولتی حق ندارند فعالیت‌های اتحادیه‌ای کارگران، و یا نظرات و اعتقادات شخصی‌آنها را به عنوان دلیلی برای تبعیض جلا در مورد استخدام، یا شرایط استخدامی یا دستمزد، یا اخراج و یا جریمه بکار برند.

۲- آزادی فعالیت سندیکایی

اعضای اتحادیه‌ها باید آزادانه قوانین مربوط به اتحادیه‌های خود را بنویسند. این را که اتحادیه‌ها چگونه باید عمل کنند و فعالیت آنها چه باشد، خود باید تعیین کنند. آنها باید رهبران و سایر افراد مسئول خود را آزادانه و بدون هیچ گونه محدودیت انتخاب کنند. سازمان‌های اتحادیه کارگری حق دارند که بر اساس قوانین خود عمل کنند بدون اینکه مزاحمت یا کنترلی از طرف مقامات دولتی یا کارفرما برای آنها ایجاد گردد.

سازمان‌های اتحادیه کارگری حق دارند، بدون کسب اجازه از هر مقام دولتی، جلسه یا کنگره تشکیل دهند، آنها حق دارند تظاهرات ترتیب بدهند که شامل تظاهرات در خیابان نیز می‌شود. آنها حق دارند در محل کار خود جلسه تشکیل دهند.

کارگرانی که در اتحادیه‌های کارگری سازمان یافته‌اند حق عضویت خود را برحسب قوانین اتحادیه خود پرداخت خواهند کرد. این وجوه به شیوه‌ای که قانون اتحادیه مشخص کرده جمع‌آوری می‌شود. پرداخت حق عضویت اختیاری می‌باشد. نحوه اداره صندوق اتحادیه فقط در اختیار اتحادیه است، بدون اینکه از طرف مقامات دولتی یا کارفرما کنترل گردد. تحت هیچ شرایطی صندوق اتحادیه‌های کارگری و یا دارایی‌های دیگر آنها ضبط شدن نیست. اتحادیه‌های کارگری حق دارند از مقامات دولتی محل ثابتی متناسب با فعالیت‌شان دریافت دارند. آنها به تنهایی حق اداره محل خودشان و یا محلی که به آنان واگذار شده‌را دارا هستند. مصونیت این محل‌ها باید رعایت گردد.

سازمان‌های اتحادیه کارگری حق دارند برای کارگران هر نوع آموزش و یا فعالیت‌های فرهنگی دیگر ترتیب دهند. برای آنها مدرسه، کتابخانه، باشگاه و یا هر نوع تسهیلات اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، تفریحی و ورزشی دیگر تهیه دیده و آنها اداره کنند.

نمایندگان اتحادیه‌های کارگری و نمایندگان کارگران حق دارند فعالیت‌های خود را در محل کار خود، بدون دخالت و یا نظارت مقامات دولتی و یا کارفرما انجام دهند. آنها مادام که مشغول فعالیت‌های اتحادیه‌ای خود هستند باید در مقابل هر نوع جریمه، یا تنبیه یا توبیخ حمایت بشوند. در جاهایی که خانه‌های سازمانی در اختیار کارگران قرار دارد، نباید از ورود نمایندگان اتحادیه‌های کارگری برای انجام وظایف خود به این محل‌ها توسط مقامات دولتی و یا کارفرما جلوگیری به عمل آید.

تمام اتحادیه‌های کارگری حق دارند برپایه حرفه یا صنعت در یک محل یا منطقه، یا کشور و یا قلمرو با هم فدراسیون تشکیل

دهند: اتحادیه کارگری همچنین حق دارند کنفدراسیونی که دربر گیرنده صنایع، حرفه و یا تخصص‌های مختلف باشد ایجاد کنند.

۳- حق اتحادیه برای نمایندگی کارگران

اتحادیه‌های کارگری حق دارند از منافع هر کارگری دفاع کنند و در تمام مسائلی که به منافع کارگران مربوط است بررسی کرده، اظهار عقیده نموده و دخالت کنند.

اتحادیه‌های کارگری، از جمله کارگرانی که در خدمات عمومی کار می‌کنند، حق دارند با کارفرمایان و مقامات دولتی مباحثه کرده و قرارداد دسته جمعی منعقد کنند.

اتحادیه‌های کارگری منافع انفرادی و یا دسته جمعی کارگران را در تمام مجامع مربوطه بخصوص در رابطه با دستمزد، ایمنی، آموزش حرفه‌ای، استخدام شرایط استخدامی و اخراج، نمایندگی می‌کنند.

هیچ تبعیضی باید بین اتحادیه‌های کارگری توسط مقامات دولتی در رابطه با نمایندگی‌شان، قابل گردد. اتحادیه‌های کارگری حق دارند بخاطر حصلت نمایندگی اتحادیه‌ای خود در کارهای مربوط به خود شرکت کنند. لکن قرار باشد فقط یک سازمان انتخاب شود چنین حتی به آنکه بیشترین نمایندگی را داراست ملق دارد.

آنها حق دارند که در اداره و تعیین خط مشی سازمان‌های تأمین اجتماعی و یا هر سازمان دیگر که به مسائل اجتماعی ارتباط دارد، شرکت کنند.

آنها حق دارند برای دفاع از حقوق کارگران به دادگاه بروند. سازمان‌های اتحادیه‌ای کارگری باید در تمام مسائلی که مستقیم و یا غیرمستقیم به آنها مربوط است، بخصوص در تنظیم قوانین و آیین‌نامه‌ها، مورد مشورت قرار گیرند.

۴- حق اعتصاب

حق اعتصاب یک حق اساسی کارگران است. هر کارگر، صرف نظر از حرفه‌اش، حق دارد بدون هیچگونه محدودیتی به عمل اعتصاب متوسل شود. کارگران و سازمان‌های اتحادیه کارگری حق دارند عمل اعتصاب را سازمان دهند و یا حمایت کنند.

سازمان‌دهی یک اعتصاب و شرکت در یک اعتصاب و یا تظاهرات همبستگی، نباید تحت هیچ شرایطی باعث تنبیه، جریمه و یا هر عمل توبیخی دیگر، چه قبل، چه در اثنا و چه بعد از اعتصاب گردد.

۵- فعالیت بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری

سازمان‌های اتحادیه کارگری حق دارند به سازمان‌های بین‌المللی اتحادیه کارگری، به انتخاب خود و بر اساس خولیت‌های آزادانه ابراز شده اعضای خود بپیوندند.

سازمان‌های اتحادیه کارگری حق دارند در فعالیت‌های بین‌المللی اتحادیه کارگری شرکت کنند، با سازمان‌های بین‌المللی اتحادیه کارگری همکاری کنند و کار مشترک انجام دهند و با کارگران و اتحادیه‌های کارگری سایر کشورها همبستگی اعلام کنند. آنها حق دارند جلسات و کنفرانس‌های اتحادیه کارگری بین‌المللی تشکیل دهند.

سازمان‌های اتحادیه کارگری حق دارند با سازمان‌های اتحادیه کارگری بین‌المللی یا خارجی، بدون هیچ محدودیتی، نمایندگی مبادله کنند. بدین منظور در صورت لزوم به نمایندگان آنها گذرنامه و ویزا داده خواهد شد.

سازمان‌های بین‌المللی اتحادیه کارگری حق دارند که با سازمان‌های کارگری همه کشورها روابط همبستگی برقرار کنند. آنها حق دارند با سازمان‌های اتحادیه کارگری علاقمند توافق کنند که برای آنها نمایندگی یا نشریه بفرستند. همچنین آنها حق دارند جلسات و کنفرانس‌های بین‌المللی اتحادیه‌ای کارگری را در کشورهای مربوطه ترتیب دهند و همبستگی و کمک متقابل بین‌المللی را سازمان دهند. آنها حق دارند از سازمان‌های اتحادیه کارگری ملی و یا محلی حق عضویت دریافت کنند.

تمام کارگران باید از حقوق مندرج در این منشور استفاده برند، بدون اینکه تبعیضی از نظر حرفه، تخصص، سن، جنس، نژاد، رنگ، ملیت، کاست، زبان، عقیده سیاسی و یا اعتقادات مذهبی وجود داشته باشد.